

اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي

مَسْأَلَةُ عَيْتِ الزَّهْرِ

مَسْأَلَةُ عَيْتِ الزَّهْرِ



سناجات خواجہ عبدالنصاری

سرشناسه
عنوان و پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
یادداشت
یادداشت
رده بندی دیویی

انصاری، عبدالله بن محمد، ۳۹۶ - ۴۸۱ ق.
سناجات خواجہ عبداللہ انصاری / عبداللہ بن محمد
انصاری، ترکیب خوشنویسی محمد مهدی منصوری
قلم، فکراوران، ۱۳۸۶
۱۶۰ ص ۱۷×۱۱ س م
۱۵۰۰۰ ریال ۴۳-۷۳۹۶-۹۶۴
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
چاپ اول، ۱۳۸۶، ۱۵۰۰۰ ریال
۲۹۷/۷۴۸

نام کتاب : سناجات خواجہ عبدالنصاری
ترکیب خوشنویسی : محمد مهدی منصوری
ناشر : فکراوران
ناظر چاپ : علی حاجی متی
شارکان : منظر جلد
صفحات و قطع : ۱۶۰ صفحه جیبی
نوبت و تاریخ چاپ : اول، ۱۳۸۶

قیمت : ۱۵۰۰۰ ریال

ISBN 964-7396-43-0

شابک ۹۶۴-۷۳۹۶-۴۳-۰

بررسی

نمبر

نقش

پیش

قلم : پیش انسان برای نشان دادن و روشنگری کتاب به یک متن ۷۷۶۱۴۴۱

شیراز : دارالکتاب شهید بهشتی ۷۷۶۱۴۴۱

کتاب حقوق، معنوی و معنوی انتشارات ارمغان طوبی نیست



سخن‌باش

شیخ الاسلام ابوالیساکا عبداللہ بن محمد انصاری ہمدانی

معروف بہ پیر برات، حارف و دانشمند قرن چہارم و پنجم ہجری قمری
 است۔ خواجہ عبداللہ از احباب ابوالیوسا انصاری صاحب حل پایہ
 است کہ بہ ہنگام ہجرت از کتبہ مدینہ بہ منزل دوی فسر و آمد۔ وی بہ
 سال ۴۹۶ھ کتبہ زہرات دیدہ بہ جہان کشود۔ پدر عبداللہ، ابومنصور
 محمد مروی با کوشش و مستحق بود و مادر وی از انالی بلخ، از طبیبی توانا
 برخوردار بود۔ پدین روی پذیرنی فسر او ان در تربیت فرزند بہ کار گرفت
 و عبداللہ با طبع پر توان خود توانست مر حل و مراتب علمی را سپیاید و ہم
 در روزگار جوانی در علوم ادبی و دینی و خط اشعار عربی آوازه یابد۔
 بہ سال ۵۱۷ھ ق۔ در طلب کرد و آوری و فراگیری احادیث عازم مینابو
 شد و از ابوسعید صیرافی و ابونصر مفسر مرقی و ابوالحسن بلخاری
 بزرگترین محدثان آن روزگار، حدیث نوشت۔ همچنین بہ طوس و بطام
 از کتب و بہ بسیاری حدیث آموخت۔ عبداللہ در خدمت خواجہ امام حکیمین

نصاب عتق از انصاری



نزهت علی بن ابی طالب



عمار تکمیر تفسیر آموخت و توانست در شمار بزرگترین مفسران و محدثان
 در آید. پس گاهی که خواجه امام محی عار چشم از جهان فرو بست، بر پایه
 وصیت وی، عبدالله بر جای وی نشست. خواجه به سال ۴۲۲ ه. ق. به
 اندیش زیارت کعبه از هرات بیرون شد لیکن به سبب این نبودن راه
 از بغداد روی به جانب خراسان نهاد. آمدن وی به خراسان
 همزمان با فرارسیدن موسم حج بود، پس وی دیگر بار دل بر زیارت
 خانه معبود نهاد. این نبودن مسیر بار دیگر قافله وی را ناگزیر به بازگشت
 کرد به راه بازگشت، در دامغان، با محمد قصاب دامغانی دیدار کرد و با
 وی درباره پیسراو، ابو العباس قصاب آملی گفتگو کرد.
 عبدالله بدان هنگام که به هرات بازگشت به اهلای احادیث و ارشاد و
 راهنمایی مردمان پرداخت. پس مردمان بسیار بر او گرد آمدند و بدو
 روی نهادند. بدین روی جمعی از حاسدان در مقام مخالفت با وی
 برآمدند. پس سال ۴۲۲ ه. ق. مخالفان خواجه عبدالله، هراتیان را علیه او
 برخاستند پس وی را در سنابل به شکنجه و ان تبعید کردند. با پایان گرفتن
 این زمان، عبدالله به هرات باز آمد و همچنان به ارشاد مردمان روی

نصرت علی بن النضر



نهاد و در مجالس خود تفسیر قرآن نیز پرداخت. اما مخالفان وی، باز آراء
گرفتند پس بار دیگر وی را به پوشت تبعید کردند و با گذشت پنج ماه
خواجه به هرات بازگشت در این زمان عمید الملک کنده ری، از مخالفان
اشاعره، بر مسند قدرت بود پس مخالفان را یارای مخالفت با خواجه
نموده به ابراقادون عمید الملک کنده ری باز مخالفت های خود را آشکارا
ساختند لیکن خواجه با پاسخ های پر هیبت خویش آنان را بر جای نمی نشاند
و مجالس وی همچنان با اقبال مردم همراه بود.

گرچه در چند سال پایان عمر خواجه فروغ چشمان خود را از دست داد
اما تاریکی های جهان بسته و نبروی اثری ننهاد و وی با روشنائی
درون همچنان تفسیر و تدکیر پرداخت. در باب خواجه باید گفت وی
فقه بر روش احمد بن حنبل بود و در تصوف از شیخ ابوالحسن خاقانی تعلیم
گرفت همچنین وی از صوفیان پر آوازه روزگار خود به مانند شیخ
ابومصیب ابوالخیر بهره مند بود. خواجه عسکندر انصاری در آئینه سنال ۴۸۱
روی در نقاب خاک کشید و وی را در هرات به خاک سپردند.